

بررسی تطبیقی مبانی و محدوده پوشش زن در اجتماع در فقه فریقین

محمد طاهر مهدوی^۱

محمد علی رضایی^۲

چکیده

«ستر» رفتار اجتماعی است که بر اساس آن، زن عاقل مکلف در برابر نامحرم، هنگام برخورد با آن‌ها از نظر پوشش، الزام‌های شرعی دارد. پژوهش، روی ادله و محدوده پوشش زنان به‌عنوان فرهنگ اسلامی به‌خصوص که امروزه تبدیل به نماد و سنبل جامعه اسلامی گردیده است، مهم است. پرداختن به این مسئله از آن جهت ضرور است که برخی، پوشش را عاری از الزام دینی می‌دانند. به این باوراند که تنها ریشه در فرهنگ‌های قدیمی پیشینیان آن جامعه دارد و هیچ ربطی به دین ندارد. از جانب دیگر بحث محدوده «ستر» یکی از موارد محل بحث در جوامع اسلامی است که بررسی محدوده آن از منظر فقه‌های مذاهب اسلامی را ضروری‌تر می‌نماید تا قرائت مورد وفاق از پوشش ارائه گردد. هدف از تحقیق حاضر که از نوع توصیفی-تحلیلی و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده این است که؛ دلایل نقلی «ستر» از دید فقه‌های مذاهب اسلامی چیست؟ و محدوده آن چه مقدار در شرع تعیین شده است؟. به‌نظر می‌رسد ادله پوشش آیه‌های ۳۱ سوره نور و آیه ۳۳ و ۵۹ سوره احزاب و روایت‌های منقول از معصومین (علیهم السلام) باشد. اندازه آن، به‌نظر اکثر فقه‌های مذاهب اسلامی، تمام بدن خانم به‌جز صورت، دست‌ها تا مچ، و قدم‌ها است. دو گروه از حکم پوشش استثنا شده است؛ یکی زن در برابر محارم سببی و نسبی و دیگری زن کهن‌سال بدون قصد زینت و تبرج. هرچند بهتر است پوشش را رعایت نماید.

کلیدواژه‌ها: ستر، زینت، زن، پوشش، فقه، تفسیر، اسلام.

۱ سطح چهار حوزه و کارشناسی ارشد دانشگاه، استاد حوزه علمیه صادقیه - جامعه المصطفی العالمیه - افغانستان.

ایمیل: tahrmhdwy9@gmail.com - تماس: ۰۷۸۷۰۹۵۹۹۷

۲ سطح چهار حوزه، استاد حوزه علمیه صادقیه - جامعه المصطفی العالمیه - افغانستان. تماس: ۰۷۷۵۸۸۲۵۶۶



مقدمه

«پوشش»؛ رفتار اجتماعی است که براساس آن، فرد عاقل و مکلف در برابر نامحرمان، هنگام مواجهه با آن‌ها از نظر پوشش، الزام‌ها و محدودیت‌هایی را عهده‌دار می‌شود که حدود و ابعاد آن در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف متفاوت است. از جمله واجب‌های اسلامی که هفت بار در قرآن از آن یاد شده است و احادیث زیادی در مورد آن تأکید نموده ستر و حجاب است. لذا ستر و حجاب در فرهنگ اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پوشش زن در اجتماع، از جمله مسائل مهمی است که امروزه در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی نه تنها در جغرافیای کشورهای اسلامی بل که در کشورهای غیر اسلامی نیز مورد توجه جدی قرار گرفته است. به گونه‌ای که پوشش مخصوص زنان تبدیل به نماد اسلامی گردیده است.

با توجه به این که غول‌های رسانه‌ای، فرهنگ اسلام به خصوص پوشش زنان را مورد هجمه قرار می‌دهند؛ بحث و باور مسلمانان در برابر این فریضه اسلامی را کم‌رنگ نموده است. تاجای که رعایت پوشش را برای مسلمانان نشانه تحجر و عقب ماندگی القاء نموده‌اند و متأسفانه تعدادی از مسلمانان که تحت تأثیر این تبلیغات مسموم قرار گرفته‌اند چنین تلقی را پذیرفته‌اند. براین اساس، بحث از مبانی فقهی و تفسیری «ستر» زنان به عنوان فرهنگ اسلامی و حدود آن ضروری به نظر می‌رسد. از یک سو اعتقاد به این نماد اسلامی استحکام پیدا کرده، از سوی دیگر به لحاظ علمی و هنجارهای اجتماعی از مقبولیت همگانی برخوردار گردد.

بدون شک مسلمانان تنها در روشنی پژوهش‌های علمی از این سنبل اسلامی و تمدنی به عنوان ارزش فرهنگی به خوبی صیانت می‌توانند و در برابر هنجار شکنی‌های رسانه‌های هنجار شکن ایستادگی خواهند کرد؛ زیرا نهادینه سازی یک فرهنگ و عنعنه از طریق اعمال فشار و زور شدنی نیست و امکان پذیر نمی‌باشد. لازم است نسل کاوش گر جوامع اسلامی را به لحاظ عقیده تی به فرهنگ‌های بومی و ارزش‌های اصیل اسلامی باورمند نمود. یکی از راه‌های باورمند سازی و نهادینه کردن فرهنگ اسلامی از جمله پوشش زنان؛ تحقیق و بررسی ابعاد دینی، شفافیت در مورد حدود



آن و دوری از قرائت‌های افراطی در عین حال متشتت و پراکنده و سپس تبیین فواید و بازه‌های فردی و اجتماعی آن می‌باشد که مسئولیت این امر خطیر تنها بر عهده نسل روشن گر و متدین جامعه اسلامی است.

هدف از این پژوهش؛ واکاوی ادله پوشش و تبیین حدود آن بر اساس فهم فقها و مفسران فریقین می‌باشد. تحقیق حاضر که به گونه تطبیقی صورت گرفته است؛ دیدگاه مفسران و فقهای شیعه و سنی را مورد جست‌جو قرار داده است تا به این سؤال پاسخ دهد که ادله قرآنی و روایی پوشش زنان از منظر فریقین چیست؟ و دیدگاه آن‌ها در رابطه به حدود پوشش چه می‌باشد؟. به نظر می‌رسد رعایت پوشش زنان در اجتماع، در برابر نامحرم (باتوجه به آیه ۳۱ سوره نور، آیه ۵۹ سوره احزاب و آیه ۳۳ سوره احزاب هم‌چنین روایت‌های از پیامبر اسلام و امامان معصوم) مورد وفاق شیعه و سنی می‌باشد. هرچند در مورد حدود پوشش اختلاف دیدگاه موجود است. اما اکثر فقهای اسلامی؛ صورت، دست‌ها تا مچ و قدم‌ها را جزء پوشش نمی‌دانند و پوشش شامل آن‌ها نمی‌شود.

مفسران اسلامی، ذیل آیات فوق، به نکته‌های مهم مسئله پوشش پرداخته‌اند (طوسی، بی تا، ۷: ۴۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۲۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵: ۱۰۷). هم‌چنین فقهای اسلامی نیز مسئله پوشش را تحت عنوان «ستر» در کتاب‌های «صلات»، «بحث ستر در نماز»، (نجفی، ۱۳۶۶، ۸: ۱۶۳) و کتاب «نکاح»، (بحث جواز نگاه کردن مرد به زنی که از او خواستگاری می‌شود)، (خمینی، ۱۳۷۵: ۳۶۴). مطرح نموده‌اند. اما به صورت مستقل به آن پرداخته نشده است. به جز سرخسی که بحث مستقل را در این رابطه باز نموده است. در کنار آن، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در دوره‌های اخیر که مسئله پوشش زنان مورد توجه قرار گرفت و وارد فاز جدید از کنش‌ها و واکنش‌های فردی و اجتماعی گردید و در صحنه‌های سیاسی، علمی و فرهنگی ظاهر گردید؛ چاپ و منتشر شده است. مهم‌ترین آن‌ها؛ کتاب مسئله حجاب اثر مرتضی مطهری می‌باشد. این کتاب، توجه بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب نمود. هم‌چنین آسیب‌شناسی حجاب نوشته مهدی مهریزی، حجاب‌شناسی اثر حسین



مهدی‌زاده از جمله کتاب‌های‌اند که در دوره‌های اخیر به چاپ رسیده‌اند در کنار آن‌ها؛ مقاله‌های علمی دیگری نیز منتشر شده است که از آن جمله: «حجاب زن در برابر نامحرم از نگاه اجتماعی» تحقیق فتحیه فتاحی‌زاده و حسین بستان، «مقدار واجب پوشش زن در برابر نگاه نامحرم» نوشته محمد ابراهیم شمس ناتری و حسین هوشمند، مقاله‌های‌اند که در این رابطه از سوی پژوهش‌گران بیرون داده شده‌اند.

نوآوری این پژوهش در تطبیقی بودن آن است. تحقیق‌های نام برده تنها بامحوریت مبانی فقهی و تفسیری مذهب مشخص انجام شده است. اما در این تحقیق تلاش شده است تا دیدگاه تمام فقها و مفسران مذاهب اسلامی به گونه‌ای تطبیقی تحقیق شود. مقاله پیش‌رو که به نظر می‌رسد از ساختار خوبی برخوردار باشد. روی چهار محور انجام شده است: محور اول مفاهیم است که در آن به تبیین مفاهیم چون؛ حجاب، خمار و جلباب پرداخته شده است، تا خواننده‌گان به مهم‌ترین مفاهیمی که مورد نزاع در این مسئله است به خوبی آشنایی پیدا نمایند. محور دوم این نوشتار، ادله و مبانی قرآنی و روایی این مسئله از منظر فریقین می‌باشد. تا خواننده با ادله پوشش به خوبی آشنایی پیدا نماید. محور سوم این مقاله، حدود پوشش از منظر فریقین است تا وجوه اختلاف و اشتراک دیدگاه فقهای اسلامی روشن شود. آخرین محور این پژوهش مستثنیات پوشش است.

۱. مفاهیم

۱/۱. مفهوم حجاب

حجاب در لغت، به معنای مختلف به کار برده شده است از جمله: «مانع، چیزی که میان دو چیز جدایی ایجاد نماید، پوشاندن و پوشش است». (ابن منظور، ۱۴۲۶؛ زبیدی، بی‌تا، ذیل کلمه حجاب). توجه به این نکته لازم است؛ حجاب به معنای فوق، اصطلاح جدید است که در دوره‌های اخیر وارد حوزه ادبیاتی منابع فقهی گردیده است. در قدیم، به خصوص فقها به جای کلمه حجاب کلمه «ستر» را به کار می‌بردند. (مطهری، ۱۳۷۱: ۸۱). به نظر ابو هلال عسکری، این دو کلمه تفاوت



معنایی دارد؛ حجاب، به معنای پنهان شدن و پوشاندن به قصد اختفا و منع از دیگران است. (عسکری، ۱۴۱۲ه: ۱۷۶). در حالی که «ستر» در لغت به معنای پوشش و آن چیز است که به وسیله آن، چیز دیگری پوشانده می شود. (میرخندان، ۱۳۹۳: ۱۷). این کلمه (ستر) به معنای مصدری خود به مفهوم قرار داشتن چیزی در زیر ساتر و پوشاننده و پوشیدگی مطلق هر وسیله ای است. (مصطفوی، ۱۴۱۶، ۵: ذیل واژه ستر). به همین سبب، برخی محققان کاربرد کلمه حجاب به جای «ستر» را مورد تأمل می دانند؛ محمد مهدی شمس الدین این استعمال را تسامح در تعبیر دانسته است. (شمس الدین، ۲۰۰۱م، ۱: ۶۴)؛ چون حجاب به معنای قرآنی خود از احکام خاص همسران پیامبر است. بر دیگر زن های مسلمان تنها پوشاندن بدن به صورت تعیین شده در شرع واجب گردیده است. مرتضی مطهری ریشه احتمالی این کار برد اشتباه را، در اشتباه شدن پوشش اسلامی با پوشش های سخت گیرانه دیگر ملت ها که در آن زن ها، در پشت پرده و خانه نشین بودند؛ می داند. (مطهری، ۱۳۷۱: ۸۱). بنابراین؛ حجاب و «ستر» دو مفهوم متفاوت را افاده می نمایند.

۱/۲. مفهوم خمار

جمع خمار؛ خَمَر است و به معنای رو سری، مقنعه و پوششی است که زن به وسیله آن، سر خود را می پوشاند. (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۴: ۲۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۲: ۷۸). صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه ۳۱ سوره نور خَمَر را چنین معنا نموده است: «خَمَر، جمع خمار و آن به معنای مقنعه است؛ یعنی آن چیز که سر زن را می پوشاند و بر سینه اش فرو می افتد. در این آیه، گریبان ها کنایه از سینه ها است؛ زیرا گریبان ها بر روی سینه ها پوشیده می شود». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۲۴۱).

۱/۳. مفهوم جلباب

جمع جلباب، به جلابیب بسته می شود. در مورد معنای آن دیدگاه های مختلف مطرح شده است. برخی مفسران و لغت شناسان آن را با کلمه خمار، مترادف می دانند.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه: ذیل واژه جلباب؛ طوسی، بی‌تا، ۸: ۳۶۱). اما ابن منظور آن را به جامه‌ای بزرگ‌تر از روسری معنا نموده است. (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۱: ۲۷۳). ابن اثیر، جلباب را به معنای پوششی که تاسر زانو بیاید معنا نموده است. (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۱: ۲۸۳).

۲. دلایل ستر زنان از منظر فریقین

بعد از مفهوم‌شناسی کلمه‌های کلیدی بحث، لازم است ادله «ستر» از قرآن و منابع حدیثی فریقین مورد بررسی قرار بگیرد. با مطالعه به منابع فقهی شیعه و اهل سنت مهم‌ترین دلایل وجوب «ستر» زنان در برابر نامحرم، آیات زیر می‌باشد:

۱/ ۲. آیات

۱/ ۲. آیه ۵۹ سوره احزاب

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (احزاب: ۵۹) تمام علمای اسلامی، اعم از شیعه و سنی با توجه به آیه فوق، باور دارند که زنان باید بدن و موی‌شان را از نامحرم بپوشانند. اما در مورد مفهوم کلمه جلباب چنان‌که گذشت، اختلاف دیدگاه بین لغت‌شناسان و مفسران و فقها می‌باشد. تعداد از علما، جلباب را به معنای پیراهن فراخ و سرتاسری؛ مثل چادر معنا نموده‌اند که زنان به وسیله آن، خود را بپوشانند. (طوسی، بی‌تا، ۸: ۳۵۹؛ رازی، ۱۴۲۰، ۲۵: ۱۵۳). طباطبایی در مورد تعریف کلمه جلباب فرموده است: «کلمه جلابیب جمع جلباب است و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۵۰۹). ابن عاشور در این رابطه می‌نویسد: «جلابیب جمع جلباب به معنای لباس کوچک‌تر



از رداء و بزرگ‌تر از خمار و قناع است که زن آن را بر روی سر قرار می‌دهد و بر چهره و رخسارش می‌اندازد و بقیه و اضافی آن را بر کتف و پشتش می‌بندد و آن را هنگام خروج از خانه و سفر می‌پوشد شکل پوشش جلابیب به اختلاف احوال زنان متفاوت است». (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲۱: ۳۲۸). به هر حال، ابن عربی بعد از جمع بندی تمام دیدگاه‌ها، می‌نویسد: «قدر مشترک همه آن‌ها این است که جلابیب پوششی است که بدن را فرا گرفته و دست کم؛ سر، سینه و گردن تا نیمی از بدن را می‌پوشاند». (ابن عربی، ۱۴۰۸، ۳: ۲۳۴) نکته قابل توجه در این آیه این است که: زنان وقتی وارد اجتماع می‌شوند، بدن خود را از نامحرمان بپوشانند تا از دام افراد شهوت پرست و مزاحم در امان باشند و پوشش سبب تأمین امنیت اجتماعی آنان می‌گردد. پس در این آیه، علاوه بر لزوم «ستر»، فلسفه آن نیز ذکر شده است.

۲/ ۱/ ۲. آیه ۳۱ سوره نور

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...»؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار ن سازند. (نور: ۳۱) در این آیه، کلمه «خَمَر» آمده که جمع خمار است. در بحث مفاهیم، شناسایی شد که به معنای مقنعه و چیزی که زن سر خود را با آن می‌پوشاند و بقیه آن را بر سینه خود می‌آویزد. (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۴: ۲۵۵) است.

۳/ ۱/ ۲. آیه ۳۳ سوره احزاب

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّاتِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَ»؛ و در خانه‌های تان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید و خدا را و فرستاده اش را فرمان برید. (احزاب: ۳۳). فقهای امامیه و اهل سنت بخش اول آیه را مورد استناد قرار داده‌اند. حکم نهی از تبرج را برای تمام زنان مسلمان تعمیم



داده‌اند. هرچند آیه در مورد زنان پیامبر می‌باشد اما ذکر آن‌ها به جهت تأکید است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۳۰۸؛ مصری، ابن نجیم، ۱۴۱۸، ۴: ۳۳۲). تبرج، از ماده برج، به معنای اظهار تمام ابزارهای زینت و زیبایی زن می‌باشد که در آیه مورد نهی قرار گرفته است. (ابو الفتوح رازی، ۱۳۸۹، ۱: ۲۳۸) بنابراین؛ آیه‌ای فوق، این حکم را برای زنان ثابت می‌نماید که پوشش آن‌ها به گونه‌ای باشد که برای نامحرم جلب توجه ننماید تا منجر به فساد نگردد. (ابن عربی، ۱۴۰۸، ۳: ۱۳۶۸)

۲/۲. روایات

فقه‌های اسلامی اهل سنت و تشیع علاوه بر آیات، به روایات نیز تمسک نموده‌اند که چند مورد از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲/۲/۱. حدیث پیامبر (ص)

روایتی معروفی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که ایشان فرموده‌اند: «المرأه عوره»؛ زن عورت است. (ترمذی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۱۹) فقه‌های اهل سنت این روایت را مورد قبول قرار داده‌اند و این که اصل وجوب «ستر» را به طور مسلم ثابت می‌نماید ولی در مورد این که حد عورت زنان چه اندازه است؟ تا پوشیده شود بحث‌های طولانی شده است که بخش از آن‌ها تحت عنوان محدوده «ستر» بیان خواهد شد.

۲/۲/۲. روایت فضیل

فضیل در حدیثی از امام معصوم سؤال نمود: «آیا بازوهای بانوان از زینت‌هایی است که خداوند متعال پوشاندن آن را واجب دانسته و فرموده است: زن نباید زینت خود را جز برای همسران و سایر محارم ظاهر سازد؟ فرمود: بلی». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۲۰۰) علاوه بر روایت‌های فوق، روایاتی زیادی در رابطه به محدوده پوشش آمده است که در بحث حدود حجاب مطرح می‌گردد. بنابراین؛ از دلایل نقلی آیات و روایات به دست می‌آید که رعایت پوشش برای زنان واجب است؛ اما اینکه محدوده پوشش تا چه اندازه باشد مورد اختلاف مذاهب اسلامی می‌باشد.



۳. حدود حجاب در فقه فریقین

۳/۱. حدود حجاب در فقه شیعه

بابررسی ادله «ستر»، ثابت گردید که؛ لزوم پوشش زنان مورد وفاق تمام مذاهب اسلامی می باشد. اما در مورد اندازه پوشش اختلاف دیدگاه وجود دارد که ریشه اختلاف، برداشت های متفاوت از وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا در آیه ۳۱ سوره نور است. فقها و مفسران شیعه، با استمداد از احادیث و روایات، مصادیقی برای زینت ظاهری که در آیه فوق استثنا شده است بیان نموده اند که؛ از جمله آن ها: حنای کف دست، سرمه، دست بند، صورت و دودست و لباس می باشد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۲۰۰-۲۰۱؛ نوری، ۱۴۰۷، ۱۴: ۲۷۵-۲۷۶). مسلماً وقتی آشکار کردن زینت های فوق جواز داشته باشد مواضع آن ها نیز جایز است؛ زیرا امکان ندارد که آشکار کردن زینت های مواضع مذکور جایز باشد اما خود مواضع آشکار نگردد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲: ۵۲۲-۵۲۳). فقها، برای استثنا نمودن مواضع چون؛ صورت و دودست تامچ و کف ها، از پوشش، به دلایل نقلی و عقلی دیگر به جز آیه فوق نیز تمسک نموده اند:

الف) در بخش دیگر از آیه ۳۱ سوره نور آمده است: وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ؛ آنچه از این جمله استفاده می شود، لزوم پوشاندن گریبان روی سینه است؛ زیرا همان گونه که در بخش مفاهیم بیان شد، خَمَر جمع خمار است و به معنای روسری زنان می باشد. (ابن منظور، ۱۴۲۶، ذیل خمر) به نظر مفسران و بیان احادیث، زنان، پیش از نزول این آیه رو سری شان را از پشت گوش شان رها می نمودند و به پشت خود می افکندند به گونه ای که گوش ها و گردن آن ها ظاهر می شدند. این آیه نازل شد و با آنان دستور داده شد که مقنعه های شان را طوری بپوشند که گریبان و مقابل سینه آن ها را مستور نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵: ۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴: ۴۴۰).

ب) در احادیثی از امامان معصوم (علیهم السلام) سئوال های در مورد پوشش صورت گرفته است که در آن ها، معمولاً حکم نگاه کردن به موهای بعضی از زنان



سؤال شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۱۹۹، ۲۰۵-۲۰۶، ۲۲۳-۲۲۵، ۲۲۹). ولی از حکم چهره، پرسش صورت نگرفته است. در حالی که صورت از ابتلای بیش‌تر برخوردار بوده و باید سؤال می‌شد. (خویی، ۱۴۲۶، ۳۲: ۲۱-۲۲). پس از شیوه سؤال‌ها بدست می‌آید که استثنا بودن صورت از پوشش، امر قطعی و مسلم بوده است و الا مورد سؤال قرار می‌گرفت. (نراقی، ۱۴۱۹، ۱۶: ۴۹).

ج) مسلماً، پوشیده بودن صورت و دست‌های زنان در کارهای بیرون از خانه حرج‌آور و صدمه جدی به فعالیت‌های عادی آن‌ها وارد می‌نماید. بنابراین؛ براساس قاعده حرج نیز می‌توان ثابت کرد؛ پوشیدن دست‌ها تامّج، صورت و قدم لازم نیست؛ چون حرج‌آور و کار را برای زنان دشوار می‌نماید. (نجفی، ۱۳۶۶، ۲۹: ۷۷). البته توجه به این نکته لازم است؛ منظور از پوشاندن صورت‌ها و دست‌های زنان در فعالیت‌های عادی به معنای لزوم نیست. بل که جواز می‌باشد؛ به این معنا که اگر زنی صورت‌ها و دست‌های خود را پوشاند کاری کرده است که سلامت اجتماعی و امنیت خود را بیش‌تر تأمین می‌نماید. اما این پوشاندن الزام ندارد. (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۳۵-۲۳۷).

۲/۳. حدود پوشش در فقه اهل سنت

هر چند بحث پوشش، در کتاب‌های اهل سنت به صورت مستقل صورت نگرفته است. تنها در بحث «ستر در نماز» و دیگر در «کتاب نکاح» این مسئله مورد بحث قرار گرفته است. تنها محقق‌هایی که در این مورد باب مستقل گشوده است؛ سرخسی است که طبق فقه حنفی این مسئله را مورد بررسی قرار داده است. (سرخسی، ۱۴۰۶، ۱۰: ۱۴۵). در بحث پوشش، تمام فقهای اهل سنت تصریح نموده‌اند: پوشش تنها منحصر به نماز نبوده بل که در برابر نامحرم نیز زن، خود را از دید آن مستور نماید؛ به عنوان نمونه ابن حزم می‌نویسد: «و العوره المفترض سترها عن الناظر و فی الصلاه». (ابن حزم، بی‌تا، ۳: ۲۱۰). در کنار آن اغلب فقها مستند پوشش را آیه ۳۱ سوره نور قرار داده‌اند به خوبی مفهوم است که منظورشان از «ستر» اختصاص به نماز ندارد. بنابراین؛ مناسب است دیدگاه‌های تمام رئسای مذاهب چهارگانه اهل سنت



ابتدا در مورد حدود پوشش نقل و سپس مورد ارزیابی قرارگیرد:

۱/۲/۳. حدود پوشش از دید فقهای شافعی

شافعی: «وکل المراه عوره الا کفیها و وجهها و ظهر قدمیها»؛ تمام بدن زن ها عورت است به جز دو کف دست شان و صورت شان و پشت قدم های شان. (شافعی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۰۹). اما برخی از فقهای شافعی تنها چهره و دست ها را به صورت صریح بیان نموده اند. در مورد پاها اشاره ای نموده اند. (مزنی، بی تا: ۱۶؛ شربینی، ۱۳۷۷، ۱: ۱۸۵). حتا رافعی شافعی مذهب، در شرح خود بر کتاب الوجیز غزالی به صراحت می گوید: «ولا یستثنی ظهور قدمیها»؛ پشت قدم ها، از مواضع استثنای پوشش نمی باشد. (رافعی، بی تا، ۴: ۸۸)؛ یعنی باید قدم ها مستور گردد ولی برخی از علمای شافعی به این باوراند که زنان چهره و دست های خود را نیز بپوشانند. (جزیری، بی تا، ۱: ۲۹۰).

۲/۲/۳. حدود پوشش از دید فقهای مالکی

مالک بن انس؛ رهبر مذهب مالکی در مورد محدوده پوشش به این باور است: «اذا صلت المراه و شعرها باد او صدرها او ظهر قدمیها فلتعد الصلاة»؛ اگر زنی در هنگام نماز موها یا سینه ها و یا پشت قدم هایش آشکار بود، باید نماز خود را دوباره بخواند. (ابن انس، بی تا، ۱: ۹۴). بنابراین مالکی ها، تنها صورت و مچ دست ها را از «ستر» استثنا نموده اند. (ابو برکات، بی تا، ۱: ۲۱۴)

۳/۲/۳. حدود پوشش از دید فقهای حنفی

تعداد از فقهای مذهب حنفی نیز بر اساس فتوای مالکی نظر دادند. (مصری، ۱۴۱۸، ۱: ۴۶۹). ولی برخی دیگر از فقهای حنفی پشت قدم ها را نیز از «ستر» استثنا نموده اند. (حصکفی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۳۷). ابن رشد اندلسی نیز این فتوا را به ابو حنیفه نسبت می دهد که پشت قدم ها لازم نیست مستور باشد. (اندلسی، ۱۴۱۵، ۱: ۹۵).

۴/۲/۳. حدود پوشش از دید فقهای حنبلی

حنبلی ها، مانند مذاهب دیگر، دارای وفاق نظر در این رابطه نیستند؛ به صورت عموم

به دو گروه تقسیم شده‌اند برخی، تنها چهره و دست‌ها را از پوشش استثنا نموده‌اند. (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۱: ۱۵) اما اکثر آن‌ها، پوشش تمام بدن زن به جز صورت را واجب دانسته‌اند و برخی دیگر ظاهر شدن دست‌ها را یا اجازه نداده‌اند، یا مورد تردید قرار داده‌اند. (بیهوتی، ۱۴۱۸، ۱: ۳۱۶). بنابراین؛ اکثر مذاهب چهارگانه اهل تسنن به این عقیده‌اند که چهره، دست‌ها و قدم‌ها در هنگام نماز و در برابر نامحرم لازم نیست پوشیده باشد. هر چند تعدادی، تنها صورت را از عورت استثنا نموده‌اند. بعضی دیگر دست‌ها را نیز استثنا نموده‌اند.

دلایلی اهل سنت در مورد اندازه پوشش امور زیر است:

روایت المرأة عوره:

چنان‌که این حدیث، در بحث دلایل پوشش زنان نیز آورده شد، به نظر اهل سنت از لحاظ سند و متن قابل قبول است. سئوالی که در مورد دلالت این روایت موجود است این است: حدود عورت چه اندازه است؟ از عورت چه مفهومی بدست می‌آید؟. در کتاب‌های لغت، چند معنا برای عورت ذکر شده است. از جمله: «العوره سوء الانسان و کل ما يستحي منه والعوره كل خلل يتحوف منه في ثغر او حرب»؛ عورت قسمت‌های از بدن انسان که زشت است و هر قسمتی که از او انسان حیا می‌نماید، می‌باشد. معنای دیگر عورت هر چیز آسیب پذیر است که مورد نگرانی باشد؛ مانند سر حداث و عورت. (جوهری، ۱۳۶۸، ۲: ۷۵۹). ابن اثیر عورت را این گونه معنا نموده است: «كل ما يستحي منه اذا ظهر»؛ هر چیزی که اگر ظاهر بشود حیا می‌شود عورت است. (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۳: ۳۱۹). کلمه عورت در مورد زنان، از این جهت بکار برده شده است که زن همانند منطقه آسیب پذیر باید مورد محافظت و پوشش قرار بگیرد. پس مقصود از عورت در مورد زنان قطعا به معنای نقص و عیب نمی‌باشد بلکه مقصود قسمت‌های از بدن زن است که حیا مانع می‌شود در برابر چشم نامحرم ظاهر بگردد. این معنا را روایت دیگر تایید می‌نماید: «المرأة عوره مستورة»؛ زن عورت پوشیده شده است. (مرغینانی، بی‌تا، ۱: ۴۳)

روایت بهزبن حکیم:

از جمله روایت‌های که فقهای اهل سنت در مورد حدود پوشش آورده‌اند؛ روایت بهزبن حکیم است. ایشان از جد خود نقل می‌کند: از رسول خدا (صل الله علیه و آله و سلم) در رابطه به حکم عورت سؤال شد ایشان فرمود: «عورت خود را جز از همسر و کنیزت حفظ کن هر



چند که تنها باشی؛ چرا که خداوند ناظر بوده و از او حیا کردن سزاوارتر است». (بیهقی، بی تا، ۲: ۲۵۵). هر چند مورد این روایت مردان است. ولی سؤال از عورت بوده است و قبلاً در حدیث دیگر از پیامبر (صل الله علیه و آله وسلم) تمام بدن زن را عورت گرفته است. براین اساس می شود از این حدیث بدست آورد که تمام بدن زن باید پوشیده باشد.

نقد و بررسی دیدگاه های اهل سنت با توجه به ادله حدود پوشش

از دور روایت فوق که مستند اهل سنت مبنی بر پوشش زنان است و مورد قبول واقع شده است؛ چنین مفهوم است که تمام بدن زنان باید پوشیده باشد. اما بر خلاف ظاهر آن دور روایت، اکثر فقهای مذاهب چهارگانه صورت و دست ها و کف ها را استثنا نموده اند. این سؤال مطرح می شود که علت یا چرایی این استثنا در چیست؟. برای پاسخ باید گفت؛ برخی از فقها مستند این استثنا را آیه زینت قرار داده اند. (اندلسی، ۱۴۱۵، ۱: ۹۵؛ مصری، ۱۴۱۸، ۱: ۴۶۹)؛ زیرا در این آیه لزوم پوشش و مقدار آن را بیان نموده است. هر چند در مورد محدوده مذکور نیز بین علما اختلاف دیدگاه وجود دارد که ریشه در تفسیر و برداشت کلمه زینت دارد. (اندلسی، ۱۴۱۵، ۱: ۹۵) تعداد دیگر از فقها علاوه بر آیه زینت جهت استثنای چهره، به روایت منقول از پیامبر اکرم نیز استناد نموده اند: «نهی النبی عن لبس القفازین و النقاب...». (مصری، ۱۴۱۵، ۱: ۴۶۹؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۱: ۱۱۲). در این روایت پیامبر زنان را در هنگام احرام از نقاب زدن منع نموده است. هر چند این روایت ناظر به حالت احرام بودن زنان است. اما اگر چنانچه صورت زنان جزء عورت به حساب می آمد باید پوشیده می شد. در هیچ حالتی اجازه به کشف آن را نمی داد. هر چند فقها به دلایل چون؛ قاعده حرج بودن پوشش صورت زن و جلوگیری زنان از کارهای اجتماعی نیز استناد نموده اند. (شربینی، ۱۳۷۷، ۱: ۱۱۳). براساس همین قاعده حرج، تعداد از فقها پوشش مچ دست ها را نیز لازم نمی بینند. هر چند ابن قدامه دست ها را جزء عورت به حساب آورده است. (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۱: ۱۵)

بنابراین؛ با بررسی دیدگاه فقهای شیعه و مذاهب چهارگانه در مورد پوشش زنان، نتایج زیر حاصل می گردد:



• تمام فقهای شیعه و اهل سنت اصل پوشش را جزء ضروریات دین می‌دانند و بر وجوب رعایت آن ادعای اجماع نموده‌اند. (زحیلی، ۱۴۱۸، ۱: ۷۳۹). حتا حنبلی‌ها رعایت حجاب را در خلوت نیز لازم دانسته‌اند. (حرانی، ۱۴۱۳، ۲: ۲۵۹) و مستندشان عمومیت ادله پوشش زنان که تمام حالت‌های خلوت و جلوت را در بر می‌گیرد؛ مثل روایت بهزبن حکیم و روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که زن را عورت معرفی نموده است و هم چنین این روایت: «ایاکم و التعری فان معکم من لا یفارقکم»؛ بر حذر باد شما (زنان) را از برهنه شدن؛ زیرا با شما کسی (خدا) است که هرگز از شما جدا نمی‌شود. (ترمذی، ۱۴۰۳، ۴: ۱۹۹)

• اکثر فقهای امامیه و اهل سنت پوشش چهره را لازم نمی‌دانند. اما در مورد پوشش قدم‌ها هر چند به‌عنوان یک دیدگاه در میان فقهای حنفی مطرح است. (شوکانی، ۱۹۷۳، ۲: ۵۵). اما برخی چنین استدلال می‌نمایند که حرجی که در مورد قدم‌ها مطرح است به مراتب بیش‌تر از مچ دست‌ها است. بنابراین براساس قاعده حرج پوشش قدم‌ها لازم نمی‌باشد. (سایس، بی‌تا: ۵۸۶).

۴. موارد استثنا از حکم پوشش

باتوجه به بررسی آیات وارد شده دراین مورد تعدادی از زنان به‌کلی یا در برابر افراد خاصی مکلف به رعایت پوشش نمی‌باشند که ذیلا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱/ ۴. محارم

یکی از جمله کسانی که لازم نیست زن در برابر آن‌ها حجاب داشته باشد محارم است دراین رابطه آیه ۳۱ سوره نور به‌صورت کاملاً واضح بیان نموده است که زنان در برابر چه کسانی لازم نیست پوشش‌شان را حفظ نمایند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِينَ زینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَیْضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِينَ زینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أیمانُهُنَّ أَوْ



التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران‌شان، یا پدران‌شان، یا پدر شوهران‌شان، یا پسران‌شان، یا پسران همسران‌شان، یا برادران‌شان، یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنان هم‌کیش‌شان، یا بردگان‌شان] کنیزان‌شان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی به‌سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! (نور: ۳۱). براساس آیه فوق، لازم نیست زنان در برابر ۱۲ گروه خود را بپوشانند که عبارت اند از: شوهر، پدر، پدر شوهر، پسران، پسران شوهر، برادران، پسران برادران، پسران خواهران، زنان، مملوکان، بی‌میلان جنسی، و کودکان نا آگاه از امور جنسی.

باید توجه داشت که در این آیه یکی از مستثنیات: «أَوْ نِسَائِهِنَّ» آمده است منظور از نِسَائِهِنَّ زنان فامیل و بستگان نسبی و سببی نیست؛ چون زنان می‌توانند به هم‌دیگر نگاه‌کننده و پوشش زنان در برابر هم جنس‌شان ولو بیگانه باشد لازم نمی‌باشد. پس مقصود از این تخصیص چیست؟ در برخی از روایات تخصیص فوق برایین حمل شده است: زنان مسلمان باید در برابر زنان یهود خودشان را بپوشانند؛ زیرا آن‌ها وقتی زنان مسلمان را بدون پوشش ببینند به مردان‌شان از آن‌ها تعریف می‌نمایند؛ لذا پوشش در برابر آن‌ها لازم است. این تخصیص شامل زنان مسلمان می‌شود؛ یعنی زن مسلمان لازم نیست خود را در برابر زن مسلمان بپوشاند. (کلینی، ۱۳۶۳، ۵: ۵۱۹).

۲/۴. زن کهنسال

دومین گروهی که از حکم پوشش استثنا شده است: زنان کهن‌سال می‌باشد که



مستند آن این آیه‌ای از قرآن کریم است: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خود آرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (نور: ۶۰). آیه مذکور، برداشتن پوشش را از زنان کهن سال مشروط به اجتناب از خود آرایی دانسته است. در عین حال پوشش را برای شان ترجیح داده است. دلیل این استثنا نیز ریشه در فلسفه حجاب دارد که در آیه‌های قبل بیان شده؛ مثل پوشاندن زینت‌های مخفی. (نور: ۳۱)، جلوگیری از ایجاد طمع در کسانی که دارای قلب‌های بیمار هستند. (احزاب: ۳۲) و جلوگیری از مورد اذیت و آزار قرار گرفتن انسان‌های مزاحم شهوت پرست. (احزاب: ۵۹). اما زنان پیر که در مورد شان چنین انگیزه‌های وجود ندارد می‌توانند پوشش را مراعات نمایند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۲۰۳). ولی حق آراستن و زینت را ندارند تا آن‌ها را از حالت عفاف بیرون نماید. (طبری، ۱۴۱۲، ۱۸: ۱۲۷).

نتیجه‌گیری

با بررسی ادله و مبانی پوشش زنان در برابر نامحرمان، هم چنین حدود آن، این نتیجه بدست آمد که در بحث مفهوم‌شناسی، حجاب با «ستر» هردو تفاوت مفهومی داشته و هر کدام معناهای متفاوتی را ارائه می‌نمایند؛ زیرا حجاب به معنای مانع و حایل بین دو چیز است. اما ستر به معنای چیزی است که به وسیله آن چیز دیگر را می‌پوشاند و مستور می‌سازد به همین سبب فقهاء در کتاب‌های فقهی از کلمه «ستر» که بر گردان فارسی آن «پوشش» است استفاده می‌کردند و کلمه حجاب در صده اخیر وارد ادبیات فقه گردید. این بکارگیری حجاب به جای «ستر» نادرست است. از جمله کلمه‌های که در بحث پوشش زنان نیاز به شناخت بیش‌تر دارد جلباب و خمار است که بعضی از لغت‌شناسان هردو را به یک معنا گرفته‌اند اما تعداد دیگر خمار را به معنای روسری و جلباب را به معنای چادری که تمام بدن زن را بپوشاند معنا نموده‌اند.



بحث دیگر؛ در رابطه به ادله پوشش زنان در اجتماع بود که از آیاتی ۵۹ سوره احزاب، ۳۱ سوره نور و آیه ۳۳ سوره احزاب لزوم پوشش استنباط گردید. هم چنین احادیث و روایات، نیز این مسئله را مورد تاکید قرار داده است. با بررسی دلایل نقلی آیات و روایات و با بررسی دیدگاه مفسران و فقهای شیعه پیرامون تفسیر آیات و احادیث؛ رعایت پوشش به عنوان فریضه الهی امر مورد وفاق تمام مذاهب اسلامی می باشد. با بررسی ادله پوشش روشن شد؛ برخلاف توهم بعضی که می گویند این مسئله هیچ ارتباطی به دین ندارد و قرآن در مورد آن سخنی نگفته است؛ ثابت گردید: حجاب نه تنها ریشه قرآنی دارد که هفت بار از آن یاد نموده است حتا در مورد محدوده آن نیز صحبت نموده است. پس این تفکر که پوشش، ریشه در فرهنگ های بومی بعض کشورها دارد و بعدا برای آن رنگ و بوی دینی داده است کاملاً باطل می گردد.

فقهای مذاهب اسلامی در مورد کیفیت و محدوده پوشش هر چند قرآن به آن تذکر داده است، اما دچار اختلاف برداشت شده اند که عمده ترین ریشه های اختلاف؛ برداشت های متفاوت از مفهوم جلباب، خمار و زینت می باشد. به صورت مجموع، اکثر فقهاء و مفسران اسلامی با استمداد از آیات قرآن و به روشنی احادیث و روایات؛ دست ها تا میچ، صورت، و قدم را از حکم پوشش خارج و استثنا نموده اند و آن ها را جزء عورت زنان به حساب نیاورده اند

پس قرائت های افراطی از پوشش زنان که گویا تمام صورت شان پوشیده باشند برخلاف آیات قرآن و فتوای فقهای مذاهب اسلامی می باشد. چنان که تفریط در آن نیز بر خلاف قرآن است. از حکم پوشش زنان در برابر نامحرم، دو گروه استثنا گردید. یکی محارم زن است که ۱۲ گروه به عنوان محارم سببی و نسبی انسان به حساب می آید و پوشش در برابر آن ها به حکم ذیل آیه ۳۱ سوره نور اشکال ندارد. گروه دیگر مورد استثناء زنان کهن سال می باشد به شرطی که زینت ندهد و تبرج ننماید می تواند پوشش نداشته باشد هر چند عفاف و تقوا می طلبد که پوشش را ترک ننماید اما اگر جلب توجه نکند و از ازدواج مایوس شده باشد به حکم آیه ۶۰ سوره نور می تواند پوشش نداشته باشد.



منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، رو المعانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. انصاری، مسعود، (۱۳۷۷ق)، ترجمه القرآن، تهران: فرزانه روز.
۳. المصری، ابن نجیم، (۱۴۱۸ق)، البحر الرائق، بیروت: دار احیاء الکتب العلمیه.
۴. ابو البرکات، احمد بن محمد، (بی تا)، الشرح الکبیر، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
۵. ابن اثیر، مبارک، (۱۳۶۴)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: اسماعیلیان.
۶. ابن حزم، حی بن احمد، (بی تا)، المحلی، دمشق: دار الفکر.
۷. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۸. احمدی جلفایی، حمید، (۱۳۸۵)، احکام حجاب و عفت در گلستان مرجعیت، قم: انتشارات زائر.
۹. ابن عربی، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت: دار الجیل.
۱۰. ابن قدامه، عبد الله بن احمد، (۱۴۰۵ق)، المغنی، بیروت: دار الفکر.
۱۱. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس فی اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. ابن فهد حلّی، احمد، (۱۴۱۱ق)، المذهب البارع، قم: نشر اسلامی.
۱۳. ابن قدامه، عبد الرحمن، (بی تا)، الشرح الکبیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۱۵. ابو الفتح رازی، حسین، (۱۳۸۹)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. ابی فراس، ورام، (۱۳۶۰)، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، تهران: چاپ سنگی.
۱۷. اندلسی، محمد بن احمد بن رشد، (۱۴۱۵ق)، بدایه المجتهد و نهایه المقصد، بیروت: دارالفکر.



۱۸. بحرانی، یوسف، (بی تا)، الحدايق الناظرة، قم: نشر اسلامي.
۱۹. بخاری، محمد، (۱۹۸۱م)، صحيح بخاری، بیروت: دار الفکر.
۲۰. بیهقی، احمد بن حسین، (بی تا)، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر.
۲۱. بیهوتی، منصور، (۱۴۱۸ق)، کشف القناع، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. ترمذی، محمد، (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، بیروت: دارالفکر.
۲۳. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. جزیری، عبد الرحمن، (بی تا)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دار الثقلین.
۲۵. جوهری، اسماعیل، (۱۳۶۸)، الصحاح، تهران: امیری.
۲۶. حصکفی، محمد امین، (۱۴۱۵ق)، الدر المختار، بیروت: دار الفکر.
۲۷. حرانی، احمد بن تیمیه، (۱۴۱۳ق)، شرح عمدہ الفقہ، ریاض: مکتبه الغیبکان.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعہ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. خطاب رعینی، محمد، (۱۴۱۶ق)، مواهب الجلیل لشرح مختصر خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۰. حکیم، محسن، (۱۹۶۹م)، مستمسک العرو الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، تذکرہ الفقہاء، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۲.، (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: داراحیاء التراث العربی.
۳۳. خمینی، روح الله، (۱۳۷۵)، تحریر الوسیله، قم: نشر اسلامي.
۳۴. خوئی، محمد تقی، (۱۴۲۶)، المبانی فی شرح العروه الوثقی (تقریرات درس آیه الله خوئی)، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۳۵.، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۶. رافعی، عبد الکریم، (بی تا)، فتح العزیز، بیروت: دار الفکر.



۳۷. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الکتاب.
۳۸. زبیدی، محمد بن محمد، (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: بی نا.
۳۹. زرکشی، محمد بن عبدالله، (۱۳۷۶)، البرهان، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
۴۰. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دار الفکر.
۴۱. زمخشری، محمد بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۲. سائیس، محمد علی، (بی تا)، تفسیر آیات الاحکام، بیروت: المکتبه المصریه.
۴۳. سجستانی، سلیمان بن الاشعث، (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، بیروت: دار الفکر.
۴۴. سرخسی، محمد بن احمد، (۱۴۰۶ق)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
۴۵. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۶. شمس الدین، محمد مهدی، (۲۰۰۱م)، مسائل حرجه فی فقه المرأه، بیروت: المؤسسه الدولیه للدراسات و النشر.
۴۷. شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۰۳ق)، کتاب الام، بیروت: دار الفکر.
۴۸. شریینی، محمد بن احمد، (۱۳۷۷ق)، مغنی المحتاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۵۰.، (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة، قم: داوری.
۵۱. شوکانی، محمد بن علی، (۱۹۷۳م)، فتح القدير، بیروت: دار الجلیل.
۵۲. صدوق، محمد، (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، نجف: المکتبه الحیدریه.
۵۳.، (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، قم: نشر اسلامي.
۵۴. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
۵۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.



۵۶. طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۵۷. طریحی، فخر الدین، (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۸. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۹.، (۱۳۶۴ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۶۰. عسکری، حسن بن عبد الله، (۱۴۱۲)، معجم الفروق اللغویه، قم: جامعه مدرسین.
۶۱. عاملی، محمد، (۱۴۱۰ق)، مدارک الاحکام، قم: موسسه آل البيت.
۶۲. عبد الوهاب، محمد، (بی تا)، شروط الصلاه و ارکانها و واجباتها، ریاض: مطالع الرياض.
۶۳. فاضل مقداد، جمال الدین، (۱۴۱۹ق)، کنز العرفان، تحقیق: محمد قاضی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، قم: دار الهجر.
۶۵. فخر رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۶. فیومی، احمد، (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، قم: دارالهجره.
۶۷. قاسمی، محمد جمال الدین، (۱۳۹۸ق)، محاسن التاویل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶۸. قرطبی، محمد، (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۶۹. قطب رواندی، سعیدبن هبه الله، (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۷۰. کلاتتری، علی اکبر، (۱۳۸۳)، فقه و پوشش بانوان، قم: بوستان کتاب.
۷۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷۴. مهدی زاده، حسین، (۱۳۹۰)، فلسفه حجاب، قم: موسسه امام خمینی (ره).



۷۵. میرخندان، حمید، (۱۳۹۳)، حجاب در هر هنگ اسلامی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده.
۷۶. مرغینانی، علی، (بی تا)، الهدایه، بی جا: المكتبه الاسلامیه.
۷۷. مالک بن انس، (۱۴۰۶ق)، الموطا، بیروت: دار احیاء التراث العربی،
۷۸. مصری، ابن نجیم، (۱۴۱۸ق)، البحر الرائق، بیروت: دار احیاء الکتب العلمیه.
۷۹. مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بی نا.
۸۰. مزنی، اسماعیل، (بی تا)، مختصر المزنی، بیروت: دار المعرفه.
۸۱. مفید، محمد، (۱۴۱۴ق)، احکام النساء، بیروت: دارالمفید.
۸۲. نفیسی، حمید، (۱۳۷۰)، زن و نشانه شناسی حجاب و نگاه در سینمای ایران، تهران: بنیاد مطالعات ایران.
۸۳. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۶)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸۴. نراقی، احمد، (۱۴۱۹ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸۵. نیشابوری، مسلم، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر الاسلامی
۸۶. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۷)، مستدر الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
۸۷.، (۱۴۱۷ق)، المجموع شرح المذهب، بیروت: دار الفکر.
۸۸. یزدی، محمد کاظم، (بی تا)، العروت الوثقی، تهران: مکتبه العلمیه.